

تقرير دفتر استاد سيد كاظم مصطفى «زيد عزه العالي» از درس خارج فقه
استاد سيد كاظم مصطفى؛ 1391/12/27



بررسي روايات دال بر لزوم طهارت در نماز
سيد طباطبائي يزدي قدس الله نفسه الزكيه فرمودند كه در صلاه، طهارت بدن و لباس شرط
است اطلاقاً بلا. فرق بين نجس و نجس ديگر. هرچند تطهير در موارد نجاست هاي خاصي
آمده است ولي اختصاص به آنها ندارد.
استناد به قاعده لا تعداد

ادله دال بر عموميت هم وجود داشت از جمله قاعده لا. تعداد كه قاعده معروفی است در
فقه و جزء قاعده منصوصه است يعني عين لفظ از نص گرفته شده و در اعتبار اين قاعده
هيچ اختلافي وجود ندارد. زرايه از امام باقر عليه السلام نقل مي كند كه متن روايت اين
است: «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ الطَّهْوَرِ وَالْوَقْتِ وَالْقِبْلَةِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ» [1]. اين
پنج مورد در قاعده به اين عنوان ذكر شده است كه صحت صلاه بستگي به اين پنج مورد
دارد كه اگر سهوا يا عمدا اين پنج مورد نقص ببيند نماز بايد اعاده بشود. اما در غير اين پنج
مورد فرق مي كند كه اگر عمدا نباشد اعاده واجب نيست يا اگر در بعضي موارد وقت گذشته
باشد اعاده و قضا لازم نيست و فقط اين پنج مورد از اهميت خاصي برخوردار است. محل
استشهاد كلمه طهور است كه معنای الطهور علي الاطلاق يعني از هر گونه نجاستي بايد
طهارت به عمل بياید و اين از اطلاق استفاده مي شود كه طهارت بدن و لباس كه شرط است،
اطلاق دارد و از هر نجاستي بايد طهارت به عمل بياید. دلالت كافي است و سند هم معتبر
است و اين دليل با سه دليل قبلي كه گفته شد، مجموعاً براي اثبات تعميم در تطهير كافي
است.

لزوم طهارت در توابع صلاه (مثل نماز احتياط و سجده سهو و ...)
سيد در ادامه مي فرمايد: «و كذا يشترط في توابعها من صلاه الاحتياط و قضاء التشهد و
السجده المنسيين و كذا في سجدتي السهو علي الاحوط و لا يشترط فيما يتقدمها من الاذان
و الاقامه و الادعيه التي قبل تكبيره الاحرام و لا. فيما يتاخرها من التعقيب». مي فرمايد:

شرط است طهارت بدن و لباس در توابع صلاه. به قول مطلق در دید ابتدایی قاعده تبعیت کافی است. قاعده تبعیت همان که در اصطلاح متعارف هم بکار می‌بریم «الجزء تابع للكل في الاحكام والآثار». تابع در احکام از متبوع تبعیت می‌کند هر آنچه که تابع صدق کند و شك در تبعیت کافی نیست. قاعده تبعیت دو تاست: 1. تابعیت جزء برای کل. 2. تابعیتی است در فقه تحت عنوان تابعیت نماء از اصل. مثلاً کسی که مالک درخت است برگ و بارش هم برای اوست و کسی که غصب می‌کند بدنه درخت را، در غصبیت برگ و بار هم تابع همان غصبیت است نه اینکه بگوید بدنه درخت غصب شده و ثمره جداست بلکه نماء تابع اصل است. مثلاً در باب بیع مالی را می‌خرید که این مال در مدت خیار رشد می‌کند و نماء حاصل می‌کند که این نماء تابع اصل است و هنوز ملک مالک بوده و برگردانده شود، با نماء آن برگردانده می‌شود.

لزوم طهارت در تشهد و سجده فراموش شده

سید الاستاد [2] قدس الله نفسه الزکیه مطلب را مشروح بیان می‌کند و این توابع را که در متن ذکر شده، شرح می‌دهد. توابع صلاه که عبارت است از صلاه احتیاط: درباره صلاه احتیاط سید یزدی از توابع صلاه واجب آورده و از باب تبعیت حکم را سریان و جریان می‌دهیم. اما سید الاستاد می‌فرماید: صلاه احتیاط صلاه است و احکام صلاه بر او جاری می‌شود که طهارت بدن و طهارت لباس از احکام صلاه است و نیاز به تبعیت نداریم. از قانون تبعیت کمک نمی‌گیریم بلکه خود صلاه احتیاط، صلاه است. و همینطور قضای تشهد و سجده منسبتین قاعده تبعیت هم جاری است. قطعاً تشهد و سجده جزء صلاه است و همان حکمی که جزء ادائی دارد، همان حکم را جزء قضائی دارد. لذا اگر تشهد و سجده منسی را انجام ندهید صلاه باطل است پس معلوم است که جزء حقیقی صلاه به حساب می‌آید و فرقی فرق زمانی است که در اثر نسیان زمان فاصله می‌شود و الا سجده همان سجده ای است که در صلاه است و حکم همان حکمی است که نسبت به سجده صلاه وجود دارد. دو تا تابع را گفتیم که صلاه احتیاط بود و سجده و تشهد بود، که بحثی در آن نیست و مسئله مورد اختلاف نیست و عموم دلیل و اطلاق دلیل شاملش می‌شود و وجدانا هم جزئیت ثابت است و مسئله محل اختلاف نیست و بنا به دید تسامحی اجماع هم اینجا محقق است.

لزوم طهارت در سجده سهو

و اما مسئله سوم فی سجده السهو علی الاحوط: درباره سجده سهو سید می‌فرماید علی الاحوط، چرا علی الاحوط گفتیم در حالی که سجده سهو از توابع صلاه هست و زمان تشریعش هم بعد از صلاه مباشرتاً هست بدون تخیل؟ دلیل بر این مطلب که ما سجده سهو را جزء توابع اصلی نشمریم و مثل سجده منسیه به حساب نیاوریم، این است که سجده سهو از سوی شرع یک واجب مستقل نفسی است منتها زمانش طوری تشریع شده است که تلقی ابتدایی می‌شود که جزء صلاه است. اتصال زمانی اتصال ماهیتی نمی‌آورد. زمان وصل است و الا سجده سهو یک واجب مستقل نفسی است.

روایت معاویه بن عمار (سجده سهو ارغام شیطان است)

آنچه در این رابطه هست، روایت معاویه بن عمار که در آن روایت آمده است که سجده سهو ارغام الشیطان است [3] و علی رغم شیطان این سجده بجا آورده می‌شود کانه ایماء به این معناست که علی رغمک یا شیطان من بخاطر این سهوی که من از سر زد خدایم را

سجده می‌کنم و خدایم را می‌پرستم و از اغواآت تو بدور هستم. این روایت مؤید می‌شود یا ارشاد می‌کند که سجده سهو جزء صلاه نیست چون صلاه ارغام شیطان نیست و صلاه عبودیت و معراج مؤمن است. با این وصفی که برای سجده آمده و وصفی که برای صلاه آمده، مباین است و نشان می‌دهد که سجده سهو قطعاً از جنس صلاه نیست و واجب نفسی است و واجب نفسی که بود دلیل می‌خواهد چون وجوبش آمده و دلیل بر طهارت لازم داریم و دلیل طهارت صلاه شاملش نمی‌شود چون گفتیم موضوعاً و وصفاً با هم فرق دارند. دلیل خاص دیگری که درباره طهارت بدن و لباس برای ساجد که سجده سهو انجام می‌دهد، آمده باشد نداریم و ما در احکام شرع متباعد و تابع دلیلیم. از سوی دیگر مذاق متشرعه می‌گوید که عبادت هست و وصل به صلاه هست و ربطی به صلاه دارد، طهارت رعایت کنیم اما احتیاطاً. اما سید الاستاد می‌فرماید: «و ان كان الاظهر عدم اعتبارها فيهما» احتیاط بکنید ولی اظهر این است که طهارت اعتبار ندارد در این دو سجده. چون ما تابع دلیل هست، دلیل بر طهارت صلاه آمده است و دلیل بر طهارت در سجده سهو نیامده و وقتی دلیل نیامده ما از کجا حکم اعلام کنیم؟

سوال و جواب: درباره سجده منسیه اگر انجام ندهد نماز باطل است اما درباره سجده سهو يك مسئولیت جداگانه و منحازي دارد و اصل نماز باطل نمی‌شود. اگر سجده منسیه انجام نشود نماز بعدی هم باطل است.

لزوم طهارت در اذان و اقامه

اما در ادامه سید می‌فرماید: «و لا يشترط فيما يتقدمها من الاذان و الاقامة». در اذان و اقامه طهارت بدن شرط نیست. اولاً. اشتراط را باید از ادله خود صلاه اگر بخواهیم استفاده کنیم که شاملش نمی‌شود برای اینکه اذان و اقامه مقدمات مستحبه است و خود صلاه نیست قطعاً بنابراین دلیل اشتراط تطهیر بدن از خبث درباره صلاه شامل اذان و اقامه نمی‌شود. مضافاً بر آنکه دلیل بر اشتراط نداریم که همان عدم دلیل بر ما کافی است، ادله ای داریم و نصوصی است که تصریح دارد که اذان و اقامه بدون طهارت از حدث می‌تواند بجا بیاورد که طهارت از حدث لازم نباشد طهارت خبث به طریق اولی لازم نیست چون طهارت از حدث در عبادات مهم تر است. عدم اشتراط طهارت از حدث بالاولویه اعلام می‌کند عدم اشتراط طهارت از خبث.

نصوص دال بر عدم لزوم طهارت در هنگام ادای اذان و اقامه

نصوصی که دال بر این مطلب هست، کتاب وسائل جلد 4 باب 9 از ابواب اذان و اقامه حدیث 1 تا حدیث 8 همه این احادیث تقریباً هم مضمون هستند که يك حدیث را بخوانم: روایت زراره از امام باقر (ع)

محمد بن علي بن الحسن باسناده عن زراره که مرحوم شیخ صدوق قدس الله نفسه الزکیه از زراره رضوان الله تعالی علیه که اسنادش صحیح است و سند صحیحه است عن ابي جعفر علیه السلام انه قال: «تُؤَذَّنُ وَ أَنْتَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ قَائِماً أَوْ قَاعِداً وَ أَيْنَمَا تَوَجَّهْتَ وَ لَكِنْ إِذَا أَقَمْتَ فَعَلَى وُضُوءٍ مُتَهَيِّئاً لِلصَّلَاةِ». چند حکم را اعلام کرد: 1. اذان بگو و بدون وضو هم باشی و طهارت از حدث لازم نیست و طهارت از خبث به طریق اولی. 2. در ثوب واحد یعنی پوشش کاملی لازم نیست. 3. قائم و قاعد باشی و به هر حالی باشد فقط اجازه دراز کشیدن داده نشده. 4. قبله هم واجب نیست. اینها شرائط وجوب ندارد. خود

باب را مرحوم صاحب وسائل را اعلام کرده است: «جواز اذان علي غير وضو و استحباب الطهارة» که طهارت بدن و لباس مستحب است اما سيد يزدی وجوبش را مي گوید که ثابت نیست. «و لكن اذا اقامت فعلي وضو متهيأ للصلاة» گر اقامه گفتي بايد با وضو باشي و با خودت را آماده کني براي نماز.

فرق طهارت در اذان و اقامه

درباره اقامه وضو آمده و دليل خاص دارد و اقامه بدون وضو درست نیست اما اذان بدون وضو درست است. يك توجيه ابتدائي اين است که اذان اعلام است و اقامه ورود در صلاه است و مقدمه موصله است. بنابر اين اذان يك عمل صالح جداست و طهارت هم نباشد مشکلي ندارد. اما اقامه که ربط پيدا مي کند به صلاه جز مقدمات موصله مي شود. لذا مستحب يا لازم است بين اذان و اقامه فاصله ايجاد بشود.

رعايت تأني در ادای اذان و اقامه و نماز

(اولاً. دو نماز بايد وقتهايش جدا باشد و نماز جماعتها بايد امامت جماعت نماز را طولاني و با طمأنينه خوانده شود و فاصله بين نماز ظهر و عصر بايد رعايت بشود. حتي نماز مغرب را که خوانده مي شود هنوز وقت عشاء نشده نماز عشاء خوانده مي شود. در بعضي جاها که پيشنماز هم روحاني خوب و مامومين هم اکثريت طلبه اما نماز مي خواند و ذکر سجده يك ذکر، براي چه؟ مگر جنگ است و مگر دشمن حمله مي کند. بهترين هزينه کردن وقتي است که براي نماز هزينه کند. بايد حدود سه ربع بين نماز مغرب و عشاء فاصله باشد و اگر حمزه ديده شود عشاء را خوانده شود اشکال دارد. و همين طور اذان و اقامه بايد فاصله باشد. و بين صلاه مغرب و عشاء و ظهر و عصر، مضافاً بر خود صلاه بايد سه ربع فاصله باشد. آنهاي که مي گویند بعد از سه رکعت وقت نماز مي شود، اولاً. براي اعلان وقت اذان گفته شود و بعد از که اذان گفته شود خودش اذان مجدد بگويد و بعد تأملي کند و اقامه مي گوید و بعد نماز را با تعقيبات بخواند بعد از آن مي شود وقت نماز بعدي.) طهارت از حدث در اقامه شرط است و در اذان طهارت از حدث شرط وجوبي نیست و ادله اش را اشاره کردم که نصوص باب بود. اما سوالي شده است که اقامه جزء صلاه است، جواب اين سوال را ان شاء الله جلسه آينده.

يادي از حضرت زينب (س)

ولادت حضرت زينب سلام الله تعالي عليها تبريك مي گويم که امروز که روز ولادت حضرت زينب است که مي گویند: (زينت آل پيامبر زينب است دختر زهراي اطهر زينب است زين اب زينب در اين بيت الغزل زين بابا زين مادر زينب است در ستيز خون نگار کربلا يار و همراه برادر زينب است در خطابه در بيان آتشين زنده ساز نام حيدر زينب است اسوه ايثار و تنديس جهاد رمز حشر و راز محشر زينب است در جلالت پيشواي بانوان جلوه الله اکبر زينب است در علو همت او گفته اند از فراز عرش برتر زينب است). يك جمله اي که ايشان دارد که معروف است که «ما رأيت الا جميلاً» اين دو نکته دارد: يك نکته براي حضرت زينب است که آنچه ديدم رضاييت الله بود و جهاد بود و از بين بردن کفر و الحاد و ظلم و همه آنها جمال بود که اين براي خود آن بانو اما براي ما «ما رايت الا جميلاً» يك بنده با معرفت نسبت به هيچ کسي بدی نمی بيند. (يار گفتا که خطا بيني خطاي چشم است هنر مرد خطاپوشي و زيبا نگري است). يك آدم با معرفت آنچه در زندگي برايش پيش مي آيد فقط

خوبي مي بيند و آنچه در آينده فكر مي كند خوبي فكر مي كند. اگر بدني و خطر و مصيبت و آسيبي را احتمال مي دهيد «[ما اصابك من سيئه فمن نفسك](#)» از خودش مي بيند و آنچه از سوي خدا آمده است و مديريت مي شود همه اش خوبي است و غير از زيبايي و جمال هيچ چيزي ديگر نمي بينيم براي اينكه ما بنده خداييم و او ارحم الراحمين كه بنده ضعيف تحت مديريت ارحم الراحمين مگر غير از جمال چيز ديگري است؟ ما پس ازكه با اين بينش و معرفت اثر در زندگي هم دارد هم از لحاظ علمي كه گفته اند دانشمندان كه درصد بالا كساني موفق هستند كه خوشبين باشند و از لحاظ روايي امام رضا مي فرمايد كسي كه خير فكر كند به نتيجه خير مي رسد و كسي كه شر فكر كند به نتيجه شر.

[1] 1. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 9 از ابواب خلوت ، حديث 1 و باب 29 ابواب قراءت حديث 5.

[2] 1. تنقيح العروه الوثقي ، جلد 3 ، صفحه 237 تا 239.

[3] 2. وسائل الشيعه ، جلد 5 ، ابواب خلل في الصلاه ، حديث 1.